

Examining Reactions To The Standard Language Segment Of The 20:30 News Program On Social Media Among Iranian Actors

By: Sina Mojaver B.A.[✉] & Arsalan Veisi Sarchami M.A.*

Abstract:

Language policymaking has always attracted the attention of governments worldwide, and public acceptance of these policies is a fundamental challenge. Adopting a qualitative and descriptive approach within an interpretive paradigm, this study seeks to describe and analyze the reactions of the Persian-speaking community on social media (particularly the X platform) regarding the Standard Language news segment and the agency of its reporter Utilizing Actor-Network Theory (ANT) and thematic analysis, the research examined users' digital footprints. From a large volume of extracted data, a purposive sample of 400 cases was selected and analyzed using Cochran's formula. The findings indicate the emergence of seven key themes. On one hand, the reporter is symbolized as a guardian of the Persian language, with his linguistic activism being highly praised. However, a significant portion of reactions is devoted to meme-making and satirizing his persona, which paradoxically facilitated the viral spread of the message. Furthermore, major intellectual confrontations were observed, including exposing the national media's double standards in commercials, contradictions regarding Arabic versus English vocabulary, and critiques of extreme linguistic nationalism. Conversely, instances of behavioral modeling and social self-monitoring among users were also evident. This study concludes that while the media intervention successfully revived linguistic sensitivity and fostered endogenous norm-making in the virtual space, digital actors have actively reinterpreted it. By employing tools such as humor and structural criticism, users translated a top-down, official language policy into an interactive instrument for expressing broader cultural, political, and institutional concerns.

Keywords: *Persian Language, Standard Language, Actor-Network Theory, Social Network Analysis, Language Policymaking*

✉ Journalism, Department of Journalism, Faculty of Communication and Media, IRIB University, Tehran, Iran
Email: freedomsettler@gmail.com

** Culture and Media, Faculty of Communication and Media, IRIB University, Tehran, Iran.
Email: arsalan.veisi@ribu.ac.ir

بررسی واکنش‌های کنشگران ایرانی به بخش زبان معیار خبر بیست‌وسی در شبکه‌های اجتماعی

سینا مجاور[✉]، ارسلان ویسی سرچمی**

چکیده

سیاست‌گذاری در حوزه زبان، همواره مورد توجه دولت‌ها بوده و پذیرش عمومی آن، چالشی اساسی در این عرصه است. در پژوهش حاضر، نگارندگان با اتخاذ رویکردی کیفی و توصیفی در ذیل پارادایم تفسیری، به دنبال توصیف و واکاوی واکنش‌های جامعه فارسی‌زبان در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه سکوی (پلتفرم) ایکس، به بخش خبری مرتبط با زبان معیار و عاملیت گزارشگر آن بوده‌اند. در این مطالعه با بهره‌گیری از چهارچوب نظریه کنشگر-شبکه و روش تحلیل مضمون، ردپای دیجیتال کاربران مورد بررسی قرار گرفته و از میان کلان‌داده‌های استخراج‌شده، ۴۰۰ نمونه هدفمند با فرمول کوکران انتخاب و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها حاکی از شکل‌گیری ۷ مضمون کلیدی است؛ از یک سو، خبرنگار این برنامه به‌مثابه پاسدار زبان فارسی، نمادسازی شده و از جانب برخی مورد ستایش قرار گرفته و از سوی دیگر، حجم قابل‌توجهی از واکنش‌ها، به فرایند میم‌سازی و طنزآمیزسازی شخصیت او اختصاص یافته که خود به انتشار گسترده‌تر پیام کمک کرده است. همچنین، تقابل‌های فکری مهمی نظیر افشای استانداردهای دوگانه رسانه ملی در تبلیغات بازرگانی، تناقض در مواجهه با واژگان عربی در برابر انگلیسی و نقد سرنویسی افراطی، مشاهده شده است. در کنار این انتقادات، الگوبرداری و شکل‌گیری نوعی خودنظارتی اجتماعی را نیز برای استفاده از زبان فارسی در میان کاربران شاهد بوده‌ایم. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد که مداخله رسانه‌ای یادشده، توانسته است حساسیت زبانی را در فضای سایبر باز یابی کند؛ اما کنشگران دیجیتال با ابزارهایی چون طنز و نقد گزینشی، سیاست زبانی را از معنای رسمی و یک‌سویه، به ابزاری تعاملی برای بیان دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی و نهادی گسترده‌تر، ترجمه کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان فارسی، زبان معیار، کنشگر شبکه، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری زبانی

مقدمه

زبان، فراتر از کارکرد ارتباطی صرف، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و عرصه‌ای راهبردی برای اعمال قدرت، هویت‌سازی و بازتولید ساختارهای فرهنگی محسوب می‌شود. در این بستر، رسانه‌های جریان اصلی و به‌ویژه نهادهای پخش همگانی، همواره تلاش کرده‌اند با اتخاذ سیاستگذاری‌های زبانی مشخص و ترویج گونه‌ای از زبان معیار، هنجارهای مطلوب حاکمیتی را تثبیت کنند. در فضای رسانه‌ای ایران، بخش خبری زبان معیار، با محوریت و عاملیت امید جلوداریان، یکی از شاخص‌ترین مصادیق این مداخله زبانی است؛ برنامه‌ای که با رویکردی هنجاری و گاه سلبی، سعی دارد با رصد تابلوهای شهری، تبلیغات و گفتار عمومی، مرزهای زبان فارسی را در برابر نفوذ واژگان بیگانه حراست کند. باین‌حال، ورود این محتوای دستوری به عصر رسانه‌های تعاملی و زیست‌بوم دیجیتال، سرنوشتی متفاوت را برای آن رقم زده است.

در دوران معاصر، مخاطب، دیگر در جایگاه دریافت‌کننده منفعل پیام‌های رسانه‌ای نیست. ظهور و گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گوناگون، الگوی ارتباطات یک‌سویه را به چالش کشیده و امکان بازخورد آنی و گسترده را فراهم آورده است. پژوهش حاضر، بر این پیش‌فرض استوار است که مواجهه کاربران فضای مجازی با برنامه یادشده، منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای پیچیده، چندلایه و پویا از واکنش‌ها شده است. هرچند که این مطالعه نیم‌نگاهی نیز به بازتاب‌های برنامه در بسترهای مختلف فضای مجازی داشته است، تمرکز کانونی و تحلیلی آن بر سکوی ایکس معطوف بوده است؛ چراکه این شبکه به دلیل ماهیت متن‌محور و فضای انتقادی حاکم بر آن، بستر اصلی تبلور واکنش‌های زبانی، سیاسی و اجتماعی نخبگان و کاربران فعال ایرانی محسوب می‌شود.

در این زیست‌جهان دیجیتال، امید جلوداریان (دکترای زبان و ادبیات فارسی) دیگر تنها یک خبرنگار تلویزیونی نیست؛ او در فرایند تعاملات کاربران، به یکی از کنشگران مورد نظر در نظریه کنشگر شبکه و نوعی گره مرکزی در تحلیل شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است. کاربران با بازنشر، نقد و یا طنزآمیز کردن محتوای تولید شده از سوی او، دست به ترجمه مجدد پیام اولیه می‌زنند. در این فرایند، هدف اولیه برنامه که اصلاح زبانی بوده است، در شبکه معنایی کاربران تغییر ماهیت می‌دهد و به ابزاری برای بیان دغدغه‌هایی فراتر از زبان، نظیر نقد سیاست‌های فرهنگی، مقاومت در برابر تک‌صدایی رسانه‌ای و یا حتی خلق سرگرمی جمعی تبدیل می‌شود.

ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که سیاستگذاری‌های فرهنگی در ایران، اغلب بدون در نظر گرفتن حیات اجتماعی پیام در فضای مجازی تدوین می‌شوند. درک اینکه هر مداخله رسمی در زبان، چگونه در شبکه غیررسمی و افقی سکوی ایکس باز تولید می‌شود، می‌تواند پرتویی بر شکاف، میان فرهنگ رسمی و فرهنگ زیسته کاربران بیفکند.

باید تصریح کرد که این پژوهش با توجه به رویکرد کیفی و توصیفی، به هیچ‌وجه در پی تعمیم آماری یافته‌ها به کل جامعه ایران و یا حتی کل کاربران فضای مجازی نیست. هدف این مقاله، ارائه توصیفی عمیق و پدیدارشناسانه از ماهیت واکنش‌هاست. پژوهشگر به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که در فضای سکوی ایکس و سایر شبکه‌های مرتبط، کدام الگوهای معنایی و چه شکلهایی از کنشگری پیرامون این برنامه شکل گرفته‌اند؟ به بیان دیگر، در این مطالعه سعی شده است تا با واکاوی محتوای تولید شده از سوی کاربران، منطق درونی و سازوکارهای معناساز شبکه‌ای که حول محور امید جلوداران شکل گرفته است، توصیف و تبیین شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه سیاستگذاری زبانی و عملکرد فرهنگستان زبان و ادب فارسی انجام شده‌اند که هر یک از زاویه‌ای خاص (تحلیل گفتمان، پیمایش میدانی، آسیب‌شناسی آموزشی) به این پدیده پرداخته‌اند. در ادامه، به بررسی مهم‌ترین آثار مرتبط در این زمینه و تبیین جایگاه پژوهش حاضر نسبت به آنها می‌پردازیم.

محمدی (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان برساخت تاریخی اصطلاح زبان مادری و تقابل آن با زبان ملی، به واکاوی خاستگاه گفتمانی این مفاهیم پرداخته است. این پژوهش، با روش ترکیبی (تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل محتوا) نشان می‌دهد که گفتمان حاکم، زبان ملی را بر پایه ایدئولوژی تک‌زبانی تثبیت می‌کند و زبان‌های دیگر را به حاشیه می‌راند. این مطالعه مناسبات قدرت و ایدئولوژی پنهان در سیاست‌های کلان زبانی را به‌خوبی آشکار می‌کند، اما داده‌های آن محدود به اظهارات مقامات و اسناد رسمی است و به بازخورد این سیاست‌ها در میان توده‌های مردم و واکنش‌های غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی نمی‌پردازد.

گلچین و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی پیرامون نسبت زبان ملی و محلی در سیاست‌های فرهنگی شهر ایلام، رویکرد نهادهای رسمی همچون صداوسیما را بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنان حاکی از غلبه نگاه امنیتی و مرکز‌گرا در سیاستگذاری‌های فرهنگی است. این پژوهش، چالش‌های سیاستگذاری دولتی را از طریق مصاحبه با مسئولان تبیین می‌کند اما رویکرد آن نخبه‌محور است و صدای مخاطبان عادی و چگونگی مقاومت یا پذیرش آنان در فضای تعاملی مجازی در آن شنیده نمی‌شود.

افشار (۱۴۰۳) نیز در فراتحلیلی با موضوع رویکردهای ایرانیان به مفهوم ایران‌شناسی، به نقد رویکردهای شرق‌شناسانه و احساسی پرداخته و بر ضرورت نگاه دانشی تأکید کرده است. این پژوهش نیز باوجود آنکه تلاشی ارزشمند برای اصلاح مبانی نظری هویت و زبان است، در سطح فرانظری و فلسفی باقی مانده و سازوکار اجرایی و بازنمایی این مفاهیم را در رسانه‌های جمعی و افکار عمومی مورد واکاوی قرار نداده است.

در حوزه سنجش میزان پذیرش واژگان، بشیرنژاد و نباتی (۱۴۰۴) با پژوهشی میدانی در شهر ساری، نشان داده‌اند که میزان آشنایی و کاربرد واژگان مصوب کمتر از ۵۰ درصد است و مردم واژگان قرضی را ترجیح می‌دهند. باوجود آنکه این پژوهش، تصویری واقعی از وضعیت موجود ارائه می‌دهد، روش آن، پیمایشی و سنتی است و صرفاً به ثبت وضعیت می‌پردازد، بدون آنکه فرایندهای پیچیده معناسازی و دلایل فرهنگی این نبود پذیرش را در بستر ارتباطات نوین تحلیل کند. مولایی کوهبانی و رئیس‌زاده (۱۴۰۳) در پژوهشی مشابه در حوزه مهندسی عمران و کهن‌دجله جهرمی (۱۴۰۴) در حوزه نشریات زبان‌شناسی، به بررسی میزان پذیرش واژگان تخصصی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حتی در صورت تأیید واژگان از سوی متخصصان، میزان کاربرد عملی آنها پایین است. باین‌حال، دامنه این مطالعات محدود به جوامع تخصصی و دانشگاهی است و واکنش‌های عامه مردم را نسبت به چهره‌های رسانه‌ای مروج این واژگان پوشش نمی‌دهد.

همچنین خدامرادی و مقصودی (۱۴۰۱) در آسیب‌شناسی کتب درسی، مخالفت ۹۷ درصدی جامعه هدف را با جایگزینی‌های دستوری گزارش کرده‌اند. تمرکز اصلی این پژوهش، بر نظام آموزشی و فضای کلاسیک یادگیری بوده و رویکردی آسیب‌شناسانه داشته است، درحالی‌که پژوهش حاضر، به دنبال واکاوی جریان سیال و غیررسمی زبان در شبکه‌های اجتماعی است.

پیش‌قدم و ابراهیمی (۱۴۰۰) نیز با طرح مفهوم زبانهنگستان، نقدی جدی بر رویکرد تجویزی فرهنگستان وارد کرده‌اند و پیشنهاد رویکردی مردم‌محور را داده‌اند. این دیدگاه اگرچه به مبانی نظری پژوهش حاضر نزدیک است، همچنان در سطح پیشنهاد نظری باقی مانده و چگونگی تحقق این مشارکت مردمی (یا مقاومت در برابر آن) را در سکوه‌های برخط بررسی نکرده است.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده، مشخص می‌شود که مطالعات پیشین به‌طور یا بر رویکرد تحلیل گفتمان سیاسی (نقد قدرت) تمرکز داشته‌اند به این ترتیب یا بر رویکرد پیمایشی (سنجش میزان کاربرد واژگان در فضای حقیقی و فضای کاری). وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر این است که برای نخستین بار تلاش می‌کند با عبور از روش‌های سنتی و فضای فیزیکی، واکنش‌های کاربران را در زیست‌بوم دیجیتال، با استفاده از نظریه کنشگر- شبکه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی بررسی کند. این پژوهش صرفاً به دنبال سنجش میزان موفقیت فرهنگستان نیست، بلکه می‌کوشد فرایند ترجمه و شبکه‌سازی حول یک سوژه انسانی (امید جلوداریان) و برنامه زبان معیار را به‌عنوان نماد زبان معیار در رسانه ملی، را تحلیل کند تا مشخص شود که کاربران شبکه‌های اجتماعی، چگونه سیاست‌های زبانی را از طریق طنز، میم و هشتگ باز تفسیر می‌کنند و معنای جدیدی به آن می‌بخشند؛ جنبه‌ای که در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین پوشش داده نشده است.

چهارچوب نظری

تحلیل شبکه‌های اجتماعی یک رویکرد روش‌شناختی نظام‌مند برای بررسی ساختارهای اجتماعی از طریق آزمون شبکه‌ها و نظریه گراف است که به جای تمرکز بر ویژگی‌های فردی، بر روابط و الگوهای پیوند میان کنشگران متمرکز می‌شود و از این طریق، به این وسیله پژوهشگران را قادر می‌سازد تا ویژگی‌های ساختاری نظام‌های اجتماعی را نقشه‌برداری، اندازه‌گیری و تفسیر کنند (بورگاتی و همکاران^۱، ۲۰۱۸: ۲). این چهارچوب روش‌شناختی، پدیده‌های اجتماعی را به مثابه شبکه‌هایی متشکل از گره‌ها (کنشگرانی نظیر افراد، سازمان‌ها یا گروه‌های جمعی) و پیوندها (روابط، تعاملات یا جریان‌های میان کنشگران) مفهوم‌سازی می‌کند و از فنون ریاضی و محاسباتی برای تحلیل پیکربندی‌های ساختاری

بهره می‌گیرد که انتشار اطلاعات، بسیج منابع، کنش جمعی و فرایندهای نفوذ اجتماعی را شکل می‌دهند (کراسلی و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۸). در پژوهش‌های جنبش‌های اجتماعی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی برای درک چگونگی هماهنگی فعالیت‌ها از طریق سازمان‌های جنبش، نحوه شکل‌گیری ائتلاف‌ها میان فعالان، چگونگی گسترش اطلاعات اعتراضی به کمک شبکه‌های دیجیتال و نحوه تأثیرگذاری موقعیت‌های شبکه‌ای بر ظهور رهبری و پیامدهای راهبردی، به ابزاری ضروری تبدیل شده است (دیانی و میش^۲، ۲۰۱۵: ۳۰۷). ظرفیت این روش برای آشکارسازی الگوهای ساختاری پنهان (همچون موقعیت‌های واسطه‌گری، حفره‌های ساختاری، دسته‌ها و پیوندهای پل‌زن) بینش‌هایی درباره پویایی‌های جنبش فراهم می‌آورد که برای رویکردهای پژوهشی سنتی متمرکز بر ویژگی‌های سطح فردی یا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کلی، نامرئی باقی می‌مانند. (بورگاتی و هالگین^۳، ۲۰۱۱: ۱۱۶۸)

مفاهیم اصلی تحلیل شبکه‌های اجتماعی که در تحلیل جنبش‌های اجتماعی محوری هستند، عبارت از سنجه‌های مرکزیت (مرکزیت درجه، بینیت، نزدیکی و مرکزیت بردار ویژه) که کنشگران بانفوذ درون شبکه‌ها را شناسایی می‌کنند؛ هم‌ارزی ساختاری و مدل‌سازی بلوکی که نقش‌های موقعیتی مشابه را آشکار می‌سازند و الگوریتم‌های تشخیص جامعه است که زیرگروه‌ها یا جناح‌ها را درون شبکه‌های بزرگ‌تر جنبش شناسایی می‌کنند (واسرمن و فاوست^۴، ۱۹۹۴: ۱۶۹؛ نیومن^۵، ۲۰۱۸: ۷). پژوهشگران فنون تحلیلی گوناگونی را به کار می‌گیرند، از جمله مدل‌های گراف تصادفی نمایی برای استنتاج آماری درباره فرایندهای شکل‌گیری شبکه، مدل‌های تصادفی کنشگر-محور برای تحلیل پویایی‌های شبکه در طول زمان و تحلیل شبکه کیفی که نقشه‌برداری ساختاری را با تحلیل موردی تفسیری ترکیب می‌کند (لاشر و همکاران^۶، ۲۰۱۳: ۹؛ کراسلی، ۲۰۱۰: ۹۵). داده‌های ردپای دیجیتال حاصل از سکوها رسانه‌های اجتماعی، کاربردهای تحلیل شبکه‌های اجتماعی در پژوهش‌های جنبش را دگرگون کرده‌اند و امکان تحلیل در مقیاس بزرگ شبکه‌های بسیج برخط، الگوهای هم‌رخدادی هشتگ‌ها، شبکه‌های بازنشر و کنشگری میان‌سکوپی را فراهم آورده‌اند؛ هرچند پژوهشگران هشدار می‌دهند که داده‌های شبکه دیجیتال ممکن است ساختارهای سازماندهی برون خط را به طور کامل بازتاب ندهند

1. Crossley et al.
2. Diani & Mische

3. Borgatti & Halgin
4. Wasserman & Faust

5. Newman
6. Lusher

یا کل بوم‌شناسی جنبش را نمایندگی نکنند (گونزالس - بیلون و وانگ^۱، ۲۰۱۶: ۱۲۴). از نظر روش‌شناختی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، نیازمند توجه دقیق به تعیین مرزهای شبکه (تعیین اینکه کدام کنشگران و پیوندها لحاظ شوند)، راهبردهای گردآوری داده‌ها (پیمایش‌ها، مشاهدات، ردپاهای دیجیتال، اسناد آرشیوی) و انتخاب فنون تحلیلی متناسب با پرسش‌های پژوهشی خاص درباره ساختار، موقعیت یا پویایی‌های شبکه است. (لامان و همکاران^۲، ۱۹۸۹: ۶۳؛ بورگاتی و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۵)

کاربردهای معاصر تحلیل شبکه‌های اجتماعی در پژوهش‌های مرتبط با جنبش‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند که ساختارهای شبکه نامتمرکز چگونه تاب‌آوری در برابر سرکوب را ممکن می‌سازند و پیوندهای پل‌زن در میان مرزهای سازمانی چگونه شکل‌گیری ائتلاف را تسهیل می‌کنند، همچنین یکپارچگی شبکه برخط - برون‌خط^۳ چگونه بر ظرفیت بسیج تأثیر می‌گذارد و چگونه ساختار شبکه پذیرش و انتشار راهکارهای اعتراضی را شکل می‌دهد (بنت و سگربرگ^۴، ۲۰۱۳: ۳۵؛ استاینرت-ترلکلد^۵، ۲۰۱۷: ۱۰). پژوهشگران همچنین جنبه تاریک شبکه‌های جنبش را نیز مورد تحلیل قرار داده‌اند تا دریابند که که چندپارگی شبکه، چگونه هماهنگی را تضعیف می‌کند، مرکزگرایی چگونه وابستگی‌هایی را به کنشگران کلیدی ایجاد می‌کند که حذف آنها می‌تواند منجر به فروپاشی بسیج شود و اتاق‌های پژواک چگونه در شبکه‌های دیجیتال ظرفیت جنبش‌ها را برای دسترسی به ورای حامیان موجود محدود می‌سازند (بیل و همکاران^۶، ۲۰۱۸: ۹۷۳۰). دیدگاه‌های انتقادی درباره تحلیل شبکه‌های اجتماعی چندین محدودیت را برجسته می‌کنند: تأکید این روش بر ساختار ممکن است عاملیت، معنا و فرهنگ را نادیده بگیرد؛ گردآوری داده‌های رابطه‌ای اغلب دشوار و مستلزم منابع فراوان است؛ بصری‌سازی‌های شبکه اگر به‌درستی تفسیر نشوند می‌توانند گمراه‌کننده باشند و ماهیت ایستا در اکثر تحلیل‌های شبکه ممکن است در ثبت پویایی‌های زمانی که برای درک مسیرهای جنبش حیاتی هستند، ناکام بماند (میش^۷، ۲۰۱۱: ۸۰؛ یاسنی و لوبل^۸، ۲۰۲۲: ۳). با وجود این محدودیت‌ها، تحلیل شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار روش‌شناختی قدرتمند برای پژوهش جنبش‌های اجتماعی باقی مانده است، این تحلیل به‌ویژه زمانی که با روش‌های کیفی ترکیب می‌شود که عمق زمینه‌ای

1. González-Bailón & Wang

2. Laumann et al.

3. Online-Offline

4. Bennett & Segerberg

5. Steinert-Threlkeld

6. Bail et al.

7. Mische

8. Jasny & Lubell

و بینشی تفسیری درباره سازوکارهای رابطه‌ای فراهم می‌آورند که از طریق آنها کنش جمعی پدیدار می‌شود، تداوم می‌یابد و به پیامدهای سیاسی دست می‌یابد. (دیانی^۱، ۲۰۱۵: ۲۳۰)

نظریه کنشگر شبکه^۲ که ریشه در مطالعات علم و فناوری دارد، رویکرد نظری متمایزی است که پدیده‌های اجتماعی را به‌عنوان اثرات نوظهور شبکه‌های ناهمگن، متشکل از کنشگران انسانی و غیرانسانی (یا عاملیت‌یافته‌ها) مفهوم‌سازی می‌کند و به‌این‌ترتیب، مفروضات جامعه‌شناختی متعارف را که برای عاملیت انسانی امتیاز قائل‌اند و اشیای مادی، فناوری‌ها و موجودیت‌های طبیعی را صرفاً پس‌زمینه‌ای برای کنش اجتماعی می‌پندارند، به چالش می‌کشد (لاتور^۳، ۲۰۰۵: ۷۱). این چهارچوب نظری که به‌طور عمده از سوی برونو لاتور، میشل کالون^۴ و جان لاه^۵ توسعه یافته است، فرض را بر آن می‌گذارد که عاملیت، ویژگی ذاتی انسان‌ها نیست، بلکه از طریق پیوندها، درون کنشگر-شبکه‌ها پدیدار می‌شود؛ جایی که عناصر اجتماعی و مادی هر دو فعالانه در شکل‌دهی به پیامدها از طریق فرایندهای ترجمه، ثبت‌نام و تثبیت مشارکت می‌کنند (لاو، ۱۹۹۲: ۳۸۱؛ کالون، ۱۹۸۶: ۱۹۶). اصل محوری در نظریه کنشگر-شبکه، تقارن تعمیم‌یافته است که از پژوهشگران می‌خواهد؛ کنشگران انسانی و غیرانسانی را با واژگان تحلیلی یکسانی تحلیل کنند و به این نکته اذعان داشته باشند که فناوری‌ها، اسناد، الگوریتم‌ها، زیرساخت‌ها و پدیده‌های طبیعی فعالانه روابط اجتماعی را میانجی‌گری می‌کنند و در تولید نظم اجتماعی سهیم هستند (لاتور، ۲۰۰۵: ۷۶). در پژوهش‌های جنبش‌های اجتماعی، نظریه کنشگر-شبکه، بینش‌های ارزشمندی درباره چگونگی بسیج گردایه‌های ناهمگن از طریق جنبش‌ها _ شامل سکوهای دیجیتال، هشتگ‌ها، تصاویر، فضاها و فیزیکی، اسناد قانونی و فناوری‌های رسانه‌ای _ ارائه می‌دهد که در مجموع، کنش جمعی را امکان‌پذیر می‌سازند و مسیرهای جنبش را به شیوه‌هایی شکل می‌دهند که نمی‌توان آنها را صرفاً به نیت‌مندی انسانی تقلیل داد. (ونتورینی و همکاران^۶، ۲۰۲۱: ۴)

واژگان نظری کنشگر-شبکه، شامل چندین مفهوم کلیدی است: ترجمه، به فرایندهایی اشاره دارد که طی آن کنشگران، نقش‌هایی را برای یکدیگر تعریف می‌کنند و ائتلاف‌هایی می‌سازند که منافع و هویت‌ها را دگرگون می‌کند؛ نقاط

1. Diani

2. ANT

3. Latour

4. Michel Callon

5. John Law

6. Venturini

عبور الزامی، موقعیت‌هایی درون شبکه‌ها هستند که کنشگران برای دستیابی به اهداف خود، ناگزیر از تعامل با آنها هستند؛ جعبه‌های سیاه، گردایه‌های تثبیت‌شده‌ای هستند که پیچیدگی درونی آنها به واسطه شبکه‌سازی موفق، نامرئی می‌شود و متحرک‌های تغییرناپذیر، کتیبه‌ها یا اشیایی هستند که فرم خود را حین گردش در بافت‌های مختلف حفظ کرده و امکان کنش از راه دور را فراهم می‌آورند (کالون، ۱۹۸۶: ۲۰۳؛ لاتور، ۱۹۸۷: ۲۲۷؛ فاریاس^۱، ۲۰۲۲: ۸۸) برخلاف تحلیل شبکه‌های اجتماعی که از روش‌های کمی برای نقشه‌برداری ویژگی‌های ساختاری شبکه‌هایی که به‌طور عمده از طریق کنشگران انسانی و پیوندهای رابطه‌ای آنها تعریف می‌شوند، بهره می‌گیرد، نظریه کنشگر- شبکه، آن دسته از رویکردهای کیفی و مردم‌نگارانه را در آغوش می‌گیرد که پیوندهای میان موجودیت‌های گوناگون را بدون پیش‌فرض درباره اینکه چه چیزی کنشگر محسوب می‌شود یا چه چیزی پیوند مرتبط را تشکیل می‌دهد، ردیابی می‌کنند (ونتورینی، ۲۰۱۰: ۲۶۱). پژوهشگران کنشگر- شبکه، کنشگران را در خلال اعمالشان دنبال می‌کنند و چگونگی مونتاژ، حفظ و گاهی فروپاشی شبکه‌ها را مستند می‌سازند و توجه ویژه‌ای به مناقشات و لحظات شکست دارند؛ یعنی زمانی که ماهیت برساخته‌شده واقعیت‌های به‌ظاهر باثبات، مرئی می‌شود (ونتورینی، ۲۰۱۰: ۲۶۲؛ مارس^۲، ۲۰۱۵: ۶۵۹). در مطالعه جنبش‌های اجتماعی، پژوهش‌های مبتنی بر نظریه کنشگر- شبکه بررسی می‌کنند که فعالان چگونه با به‌کارگیری سکوها دیجیتالی، خلق محتوای ویروسی، اشغال فضاهای فیزیکی و ایجاد ائتلاف با سازمان‌های رسانه‌ای همسو، نهادهای قانونی و زیرساخت‌های مادی، شبکه‌های اجتماعی- فنی را مونتاژ می‌کنند- با اذعان به اینکه ظرفیت جنبش به ثبت‌نام و هماهنگی موفق متحدان انسانی و غیرانسانی وابسته است. (ترره^۳، ۲۰۱۹: ۵۵؛ پول و همکاران^۴، ۲۰۲۲: ۸)

کاربردهای معاصر نظریه کنشگر- شبکه، در دانش‌پژوهی جنبش‌های اجتماعی کاوش کرده‌اند معماری سکوها چگونه با امکان‌پذیر ساختن اشکال خاصی از هماهنگی و محدود کردن دیگر اشکال، پویایی‌های اعتراضی را فعالانه شکل می‌دهند؛ یا اشیاء اعتراضی (نظیر چادرها، ماسک‌ها یا سنگرها) چگونه به میانجی‌هایی تبدیل می‌شوند که روابط میان مشارکت‌کنندگان را دگرگون می‌کنند و جنبش‌ها چگونه به پیمایش بوم‌شناسی‌های پیچیده زیرساخت‌های

1. Farias

2. Marres

3. Treré

4. Poell & et al.

مادی و دیجیتالی که تلاش‌های بسیج را حمایت یا تضعیف می‌کنند، (ترره، ۲۰۱۹: ۶۲؛ جربائودو^۱، ۲۰۱۲: ۳۹). پژوهشگران همچنین بررسی کرده‌اند که جنبش‌ها چگونه درگیر سیاست هستی‌شناختی می‌شوند- مبارزات بر سر اینکه کدام واقعیت‌ها مشروع محسوب می‌شوند و اذعان دارند که تغییر اجتماعی، صرفاً شامل تغییر نگرش‌های انسانی نیست بلکه تمامی گردایه‌های اعمال، فناوری‌ها، نهاده‌ها و آرایش‌های مادی را در بر می‌گیرد (استاللا و کریادو^۲، ۲۰۱۸: ۱۱). دیدگاه‌های انتقادی درباره نظریه کنشگر-شبکه چندین محدودیت را برجسته می‌کنند: برخورد متقارن این چهارچوب با انسان‌ها و غیرانسان‌ها ممکن است تفاوت‌های اصیل در عاملیت و مسئولیت اخلاقی را نادیده بگیرد؛ تأکید آن بر شبکه‌سازی ممکن است نبود تقارن در قدرت و نابرابری‌های ساختاری را از نظر دور بدارد و تمرکز محلی آن بر ردیابی پیوندها ممکن است در پرداختن به الگوهای سطح کلان و ساختارهای تاریخی با دشواری مواجه شود؛ واژگان نظری آن نیز ممکن است برای پژوهشگران سایر سنت‌ها مبهم یا دیرپاب به نظر برسد (الدر-واس^۳، ۲۰۱۵: ۶۸؛ فاریاس، ۲۰۲۲: ۹۱). با وجود این انتقادات، نظریه کنشگر-شبکه همچنان برای نظریه‌پردازی درباره نحوه عملکرد جنبش‌های اجتماعی درون گردایه‌های اجتماعی- فنی فزاینده پیچیده و تأثیرگذار باقی مانده است؛ جایی که مرزهای میان برخط و برون خط، انسانی و الگوریتمی و اجتماعی و مادی، به‌طور مداوم محو می‌شوند و رویکردهای تحلیلی را می‌طلبند که بتوانند ترکیب ناهمگن کنش جمعی معاصر را تبیین کنند. (ونتورینی و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲؛ پول و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۵)

روش‌شناسی

این پژوهش، با هدف واکاوی عمیق و فهم پدیدارشناسانه واکنش‌های کاربران زیست‌جهان دیجیتال نسبت به سیاستگذاری‌های زبانی رسانه ملی، به‌ویژه برنامه زبان معیار و عاملیت امید جلوداریان، در ذیل پارادایم تفسیری و با اتخاذ رویکردی کیفی و توصیفی سامان یافته است. با توجه به ماهیت سیال و متراکم تعامل در فضای سایبر، فرایند گردآوری داده‌ها در این مطالعه، مبتنی بر تکنیک‌های داده‌کاوی و رصد ردپاهای دیجیتال کاربران در شبکه‌های اجتماعی (ایکس، اینستاگرام، بله، تلگرام و ویراستی) بوده است؛ به‌این منظور، پژوهشگر با اتخاذ راهبرد جست‌وجوی هدفمند، از یک‌سو، به رصد مستقیم و

1. Gerbaudo

2. Estalella & Sánchez Criado

3. Elder-Vass

همه‌جانبه صفحات و حساب‌های رسمی امید جلوداریان، به‌عنوان گره مرکزی و متولی اصلی این گفتمان پرداخته و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از کلیدواژه‌های قانونی، شامل برنامه زبان معیار، گزارش زبان معیار، زبان معیار، جلوداریان و امید جلوداریان، اقدام به استخراج طیف گسترده‌ای از نظرها یا دیدگاه‌های کاربران در بازه زمانی؛ از پخش اولین گزارش تا امروز، یعنی اول دی ماه سال ۱۴۰۴ کرده است. از آنجاکه حجم داده‌های استخراج‌شده در زمره کلان‌داده‌ها قرار می‌گرفت (۳۰/۵۷۲ داده یکتا) و بررسی تمامی موارد در یک پژوهش کیفی، امکان‌پذیر نبود، به منظور دستیابی به یک چهارچوب نمونه‌گیری علمی و تقلیل داده‌ها به سطحی قابل تحلیل^۱ (چهارصد مورد، البته این چهارصد مورد با توجه به مطالعات نویسندگان، نظرهای دیگران را نیز پوشش می‌داد) بدون خدشه به روایی پژوهش، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه دقیق استفاده شد تا نمونه نهایی، معرف معتبری از جامعه آماری کلیه واکنش‌های ثبت‌شده باشد. در نهایت، داده‌های غربال‌شده با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، مورد پردازش قرار گرفتند؛ فرایندی که طی آن، پژوهشگر از طریق مطالعه مکرر متن‌ها، کدگذاری اولیه و تقلیل داده‌ها، به شناسایی الگوهای معنایی پنهان و دسته‌بندی مضامین کلیدی در واکنش‌های کاربران پرداخت تا تصویری روشن از نحوه مواجهه افکار عمومی با این پدیده رسانه‌ای ارائه گردد.

گزارش یافته‌ها

۱. هویت زبانی و حفظ زبان فارسی: نخستین و محوری‌ترین مضمون استخراج‌شده، حول مفهوم هویت و دغدغه پاسداری از ارکان زبان شکل گرفته است. در این دسته از واکنش‌ها، کاربران با نگاهی نمادین، امید جلوداریان را به‌عنوان پاسدار و محافظ زبان فارسی معرفی کرده‌اند. داده‌های متنی نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از جامعه آماری، فراتر از یک خبرنگار، برای او جایگاهی نمادین قائل شده‌اند و در توصیفات خود، وی را کزازی دوم نامیده‌اند؛ تشبیهی که به‌طورمستقیم به میرجلال‌الدین کزازی (استاد ادب و زبان فارسی) و سنت سخت‌گیرانه سره‌گرایی و حفظ میراث زبانی اشاره دارد. علاوه بر این شخصیت‌پردازی، کاربران همسو با رویکرد برنامه، به انتقاد صریح از کاربرد واژگان انگلیسی در گفتار عمومی پرداخته‌اند. این گروه از کاربران، نفوذ واژه‌های بیگانه در گفت‌وگوهای روزمره شهروندان و تابلوهای شهری را نشانه‌ای از تضعیف هویت ملی دانسته‌اند و نسبت به آن واکنش منفی و هشدار می‌دهند.

جدول ۱. مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه‌ای
هویت زبانی و حفظ زبان فارسی	جلوداریان به‌عنوان پاسدار زبان فارسی	- نمادسازی خبرنگار به‌مثابه حافظ میراث زبانی ملی، مقایسه با شخصیت‌های تاریخی پاسدار فرهنگ (کزازی دوم)، بازتولید گفتمان پاک‌سازی زبانی در رسانه عمومی
	انتقاد از به‌کاربردن واژگان انگلیسی در گفتار عمومی	- انتظار معادلیابی فوری برای واژگان بیگانه، نقد نفوذ زبان انگلیسی در خطاب روزمره، ترویج مقاومت زبانی در برابر جهانی‌شدن لغوی
طنز و کنش کمیک‌وار	میم‌سازی و قالب‌سازی از شخصیت جلوداریان	- فرایند میم‌گونه‌سازی شخصیت رسمی، تبدیل کارکرد حرفه‌ای به هویت فرهنگ عامه، خلق روایت‌های طنزآمیز حول محور گفتمان زبانی
	شوخی درباره پیگیری و عزم جزم مجری برنامه	- مبالغه‌آمیزسازی اقتدار نظارتی زبانی، ساخت روایت‌های ابر- حضوری، طنز پیرامون سراسربین ^۱ زبانی
	استفاده از نام او به‌عنوان تهدیدی طنزآمیز	- کارکرد نام، به‌مثابه ابزار کنترل اجتماعی طنزآمیز، خودسانسوری طنزآمیز از طریق اشاره‌های (منشن‌های) تهدیدآمیز، بازی با قدرت نمادین نظارت زبانی
متناقض‌گویی و دوگانگی	استفاده از واژگان عربی و سکوت او	- افشای تناقض در سیاستگذاری زبانی‌گزینشی، نقد رویکرد انتخابی در مواجهه با واژگان بیگانه و آشکارسازی دوگانگی معیارهای پاک‌سازی زبانی
	استفاده از برابرهایی عربی برای واژگان انگلیسی	- نقد تعویض یک نظام وام‌گیری با نظام دیگر، آشکارسازی تناقض در گفتمان بومی‌گرایی زبانی، سوال‌برانگیز کردن معیارهای خودی/ بیگانه
	انتخابی و گزینشی بودن در نقد	- افشای سلسله‌مراتب قدرت در اجرای نظارت زبانی، تحلیل خودسانسوری در برابر ساختارهای قدرت، نقد انتخاب‌گرایی سیاسی در پاسداری زبانی
	تلاش برای جلب قشر ملی‌گرا	- تحلیل ابزاری‌سازی گفتمان ملی‌گرایی زبانی، نقد کارکرد نمادین شخصیت‌های رسانه‌ای، آشکارسازی استفاده سیاسی از احساسات ملی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه‌ای
نقد سیاستگذاری در رسانه	انتقاد از تبلیغات با واژه‌های بیگانه	- افشای تناقض ساختاری در سیاست‌های رسانه ملی، نقد کارکرد دوگانه نهادهای رسمی، تحلیل ناهمخوانی گفتمان و عمل در صداوسیما
	دوگانگی گفتمان رسمی و عملی	- تحلیل شکاف بین ایدئولوژی اعلام‌شده و رویه اجرایی، نقد ساختار منافقانه سیاستگذاری فرهنگی، آشکارسازی تناقضات نهادی در حوزه زبان
هنجارسازی اجتماعی	کاهش استفاده از واژگان بیگانه	- خودنظارتی زبانی در تعاملات اجتماعی، درونی‌سازی هنجارهای پاک‌سازی زبانی، تأثیر نمادهای رسانه‌ای بر رفتار گفتاری روزمره
	الگوبرداری از شیوه گفتار او	- همانندسازی رفتاری با الگوی رسانه‌ای، تقلید از سبک گفتار به‌مثابه نمایش هویت، پذیرش داوطلبانه هنجار زبانی تحمیلی
	فشار اجتماعی برای استفاده از فارسی	- ایجاد سراسربینی اجتماعی در استفاده زبانی، کنترل هم‌تایان، در گفتار عمومی و سازوکار انضباطی غیررسمی زبانی
کنشگری زبانی	ستایش و تحسین از تلاش‌های او	- تقدیس کنشگری زبانی در گفتمان عمومی، تولید روایت قهرمانانه از حفاظت زبانی، تقویت گفتمان ملی‌گرایی فرهنگی
	درخواست گسترش فعالیت	- خواست نهادهای سازمانی نظارت زبانی، تقاضا برای توسعه جغرافیایی کنترل زبانی، فراخوان مداخله در تخلفات زبانی
	تأیید ضرورت حفظ زبان فارسی	- بازتولید ایدئولوژی نژادگرایی زبانی، همگانی‌سازی مسئولیت پاسداری زبانی، ترویج گفتمان زبان در معرض خطر
انتقاد از افراط‌گرایی زبانی	نقد سره‌نویسی افراطی	- مقاومت در برابر تک‌زبانی‌گرایی افراطی، نقد اقتدارگرایی زبانی و سلب آزادی گفتار، مخالفت با خشونت نمادین زبانی
	لزوم پذیرش انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی	- دفاع از چندزبانگی کاربردی، مخالفت با انزواگرایی زبانی، پذیرش ضرورت‌های ارتباطی جهانی
	نقد محدودیت‌های زبانی	- مقاومت در برابر تحدید منابع زبانی، نقد هزینه‌های شناختی پاک‌سازی زبانی، دفاع از آزادی انتخاب زبانی
	نقد معادل‌سازی واژگان تخصصی	- مخالفت با جایگزینی مصنوعی واژگان مستقر، انتقاد از ناکارآمدی معادل‌های فرهنگستانی، نقد هزینه ارتباطی تغییر اصطلاحات علمی

۲. طنز و کنش کمیک‌وار: بخش بسیار حجیم و قابل توجهی از داده‌های پژوهش، به واکنش‌های طنزآمیز و سرگرم‌کننده کاربران اختصاص دارد که نشان‌دهنده تغییر ماهیت پیام در بستر شبکه‌های اجتماعی است. در این مضمون، کاربران با فرایند میم‌سازی یا قالب‌سازی از شخصیت جلوداریان، چهره رسمی، خشک و ناظر او را به قالبی سرگرم‌کننده و کمیک در فضای مجازی تبدیل کرده‌اند. مضمون سازمان‌دهنده دیگر در این بخش، شوخی درباره پیگیری‌های مداوم و عزم جزم جلوداریان است؛ به گونه‌ای که اغلب کاربران ظهور ناگهانی او در اماکن مختلف و جدیتش در یافتن واژگان بیگانه را دستمایه طنز قرار داده‌اند و موقعیت‌های فرضی خنده‌داری را پیرامون این موضوع خلق کرده‌اند. همچنین، پدیده استفاده از نام او به عنوان یک تهدید طنزآمیز، از دیگر الگوهای رفتاری پرتکرار بوده است؛ در این الگو، کاربران در تعاملات دوستانه خود برای تذکر خطاهای کلامی یا صرفاً برای شوخی، نام جلوداریان را به عنوان کسی که در صدد مچ‌گیری است، ذکر می‌کنند.

۳. متناقض‌گویی و دوگانگی: این مضمون بازتاب‌دهنده نگاه نقادانه و تیزبین کاربران به تناقضات موجود در سیاست‌های زبانی است. انتقاد اصلی کاربران، معطوف به استانداردهای دوگانه است؛ آنان با اشاره به مواردی مانند استفاده مکرر مسئولان از واژگان عربی و سکوت جلوداریان در برابر آن، استدلال می‌کنند که حساسیت شدید نسبت به واژگان انگلیسی، در برابر هجوم واژگان عربی به‌طور محسوسی غایب است. نقد دیگر کاربران، متوجه استفاده از برابرهای عربی برای جایگزینی واژگان انگلیسی است که آن را نوعی نقض غرض و تناقض آشکار در ادعای فارسی‌سازی می‌دانند. از سوی دیگر، کاربران رویکرد برنامه را به دلیل انتخابی و گزینشی بودن در نقد با تردید روبه‌رو می‌کنند و بر این باورند که جلوداریان و دوربین او جسارت نقد مقامات عالی‌رتبه را ندارند و تنها به موارد کم‌خطر می‌پردازند. در نهایت، تفسیر سیاسی برخی کاربران این است که این برنامه، تنها راهکار و ابزاری از سوی حاکمیت، برای جلب نظر قشر ملی‌گراست، نه یک دغدغه فرهنگی خالص.

۴. نقد سیاستگذاری در رسانه: در این بخش، نوک پیکان انتقاد کاربران، از شخص مجری فراتر رفته و متوجه عملکرد ساختاری سازمان صداوسیما شده است. مضمون اصلی و پرتکرار در اینجا، انتقاد از حجم بالای تبلیغات با واژه‌های بیگانه، در همان شبکه تلویزیونی است. کاربران با کنار هم قرار دادن این برنامه

و پیام‌های بازرگانی، به این نکته اشاره کرده‌اند که رسانه ملی، در حالی دم از پاسداشت زبان می‌زند که منبع درآمدش از تبلیغ کالاهایی با نام‌های غربی است. این مشاهدات منجر به شکل‌گیری مضمون دوگانگی گفتمان رسمی و عملی شده است که شکاف عمیق میان شعارهای عقیدتی و زبانی رسانه را با عملکرد تجاری و واقعی آن در آنتن پخش نشان می‌دهد.

۵. هنجارسازی اجتماعی: یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که برنامه یادشده، فارغ از قضاوت مثبت یا منفی، تأثیرات ملموسی بر رفتار اجتماعی کاربران داشته است. مضمون کاهش استفاده از واژگان بیگانه، بیانگر آن است که گروهی از کاربران، تحت تأثیر این فضا، تلاش کرده‌اند آگاهانه در گفتار و نوشتار خود تجدیدنظر کنند. همچنین پدیده الگوبرداری از شیوه گفتار و واژگان جلوداریان به‌عنوان یک رفتار تقلیدی در داده‌ها مشاهده می‌شود که گاه جدی و گاه آمیخته با طنز است. علاوه بر این، نوعی فشار اجتماعی و نظارت همگانی برای استفاده از زبان فارسی در تعاملات کاربران شکل گرفته است؛ به طوری که افراد در محیط‌های برخط یکدیگر را پایش می‌کنند و به سمت رعایت بیشتر اصول زبان فارسی سوق می‌دهند.

۶. کنشگری زبانی: این مضمون دربرگیرنده طیف واکنش‌های کاملاً حمایتی، تشویقی و فعالانه کاربران است. داده‌ها، حاکی از ستایش و تحسین صریح تلاش‌های جلوداریان از سوی گروهی از کاربران است که کار او را ارزشمند، ضروری و شجاعانه توصیف می‌کنند. فراتر از تحسین کلامی، آنان خواهان تداوم و درخواست گسترش فعالیت این سبک از نظارت، در سایر حوزه‌های فرهنگی، صنعتی و نقاط مختلف کشور بوده‌اند. همچنین، این گروه از کاربران، با تولید و بازنشر محتواهای همسو، بر تأیید ضرورت حفظ زبان فارسی به‌عنوان یک سنگر فرهنگی تأکید ورزیده‌اند و دغدغه‌های مطرح شده در برنامه را در شبکه خود بازتولید کرده‌اند.

۷. انتقاد از افراط‌گرایی زبانی: در نقطه مقابل گروه موافق، یک جریان قدرتمند انتقادی، با محوریت مخالفت با تندروی شکل گرفته است. در این بخش، کاربران به نقد سره‌نویسی افراطی که از آن، تعبیر به فاشیسم زبانی نیز می‌کنند، پرداخته‌اند و رویکرد برنامه را نوعی تعصب خشک و غیرمنطقی دانسته‌اند. استدلال اصلی آنها بر لزوم پذیرش انگلیسی به‌عنوان زبان علم و تجارت بین‌المللی، استوار است و معتقدند که نباید ارتباطات جهانی و نیازهای

روزمره را فدای سره‌گرایی کرد. همچنین ضمن نقد ایجاد محدودیت‌های زبانی، به طور مشخص و فنی، به نقد معادل‌سازی واژگان تخصصی پرداخته‌اند. از نظر این گروه، جایگزینی واژگان جافتاده علمی، فنی و تخصصی با کلمات ناآشنا و ابداعی فرهنگستان، امری ناکارآمد است که تنها منجر به گنگ شدن مفاهیم و اختلال در ارتباطات تخصصی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف واکاوی و توصیف الگوهای واکنش کاربران در زیست‌بوم دیجیتال نسبت به برنامه زبان معیار و کنشگری رسانه‌ای شخص خبرنگار انجام پذیرفته و مسئله محوری آن، سنجش میزان اثرگذاری و بازتاب یک سیاستگذاری فرهنگی رسانه‌ای در فضای شبکه‌های اجتماعی بوده است. تحلیل مضمون داده‌های استخراج شده نشان می‌دهد که این برنامه توانسته است با موفقیت، از مرزهای آنتن پخش تلویزیونی عبور کند و به نوعی دغدغه زنده در میان کاربران فضای مجازی تبدیل شود.

نخستین نتیجه‌گیری کلیدی پژوهش، موفقیت برنامه در برجسته‌سازی اهمیت زبان فارسی و هویت ملی بوده است. براساس یافته‌ها بخش قابل توجهی از کاربران، با درک پیام اصلی برنامه، جلوداریان را به‌عنوان نمادی از حفاظت و صیانت فرهنگی بازشناسی کرده‌اند. شکل‌گیری مضامین حمایتی و درخواست برای تداوم این نظارت، مؤید آن است که این سیاست رسانه‌ای، توانسته است حساسیت عمومی را نسبت به ورود واژگان بیگانه بازیابی و تقویت کند.

دومین محور نتیجه‌گیری، نقش طنز به‌عنوان عامل ضریب‌دهنده و نشر پیام است. اگرچه بخشی از واکنش‌ها در قالب طنز و شوخی بروز یافته‌اند، تحلیل شبکه‌ای نشان می‌دهد که همین محتوای طنزآمیز به فراگیر شدن (وایرال شدن) پیام برنامه و شناخته شدن بیشتر شخصیت جلوداریان کمک کرده است. به بیان دیگر، طنز کاربران نه لزوماً به معنای تقابل، بلکه به معنای پذیرش سوژه در فرهنگ عامه و زیست‌بوم دیجیتال است که باعث می‌شود پیام پاسداشت زبان به گوش مخاطبان غیرمستقیم نیز برسد.

سومین دستاورد مهم که در یافته‌ها مشاهده می‌شود، شکل‌گیری هنجارسازی و خودنظارتی اجتماعی است. داده‌ها تأیید می‌کنند که برنامه توانسته است با تأثیری فراتر از آگاهی‌بخشی، منجر به تغییر رفتار شود؛ به طوری که کاربران

در فضای مجازی نسبت به کاربرد واژگان بیگانه حساس شده‌اند و یکدیگر را به رعایت اصول زبان فارسی دعوت می‌کنند. این امر نشان‌دهنده تحقق هدف غایی برنامه در ایجاد نوعی نظارت همگانی و درون‌زا است.

در نهایت، نگاه دقیق و موشکافانه کاربران به سایر بخش‌های رسانه (مانند پیام‌های بازرگانی یا گفتار سایر مسئولان) که در یافته‌ها منعکس شده است، نشان از هوشمندی مخاطب و انتظار بالای او از رسانه ملی دارد. این بازخوردها نشان می‌دهند که مخاطبان، سازمان صداوسیما را به‌عنوان یک کل واحد می‌بینند و انتظار دارند که استاندارد زبانی معرفی شده از سوی امید جلوداریان، به صورت یکپارچه و منسجم، در تمامی خروجی‌های سازمان (از تبلیغات تا اخبار) رعایت شود. به این ترتیب می‌توان گفت برنامه یادشده در عین حال که یک مداخله موفق زبانی بوده، بستری را برای دریافت بازخوردهای اصلاحی و ارتقای کیفی حکمرانی رسانه‌ای فراهم آورده است.

نوآوری و محدودیت پژوهش

از آنجایی که فرهنگستان و پژوهشگران ادبی نسبت به سنجش افکار عمومی و تحلیل فضای مجازی توجه چندانی نداشته‌اند، پژوهش حاضر، توانسته پیوندی میان پژوهش‌های ادبی، جامعه‌شناسی و تحلیل فضای مجازی ایجاد کند و پیوندی میان علوم اجتماعی، زبان و ادبیات فارسی و تحلیل فضای مجازی ایجاد کند و محدودیت اصلی پژوهش، کم بودن نظرهای مردم در فضای مجازی برنامه زبان معیار بوده که گردآوری داده را برای پژوهشگران مشکل کرده است؛ فیلترینگ سکوی ایکس و دیگر سکوهای خارجی نیز از دیگر محدودیت‌های انجام این پژوهش بوده است.

منابع

- افشار، حمید. (۱۴۰۳). فراتحلیل رویکردهای ایرانیان به مفهوم ایران‌شناسی و التزامات آن. *دوفصلنامه توسعه علوم/انسانی*، ۵(۹)، ۳۹-۵۵.
doi: 10.22047/hsd.2024.469690.1019
- بشیرنژاد، حسن و نباتی، زهرا. (۱۴۰۴). تحلیلی اجتماعی بر میزان کاربرد و آشنایی با واژه‌های مصوب فرهنگستان. *زبان پژوهی*، ۱۸(۵۸)، ۲۱۷-۲۴۹.
doi: 10.22051/jlr.2025.49509.2539
- پیش‌قدم، رضا و ابراهیمی، شیما. (۱۴۰۱). فرهنگستان و زبان‌نگستان: دو بال تعالی زبانی و فرهنگی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۵(۳)، ۱-۲۹.
doi: 10.22067/jlts.2021.72842.1074
- خدامرادی، ابوالفضل و مقصودی، مجتبی. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی طرح جایگزینی واژگان بیگانه در کتب درسی با واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۵(۳)، ۳۱-۶۳.
doi: 10.22067/lts.2022.74723.1105
- گلچین، مسعود، حاجیان، ابراهیم، کریمی، علیرضا و منصوری، فردین. (۱۴۰۱). نسبت زبان ملی و زبان محلی در سیاست‌های فرهنگی (مطالعه رویکرد سه نهاد آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و صداوسیما در شهر ایلام). *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۴(۲)، ۴۷-۶۶.
- کهندل‌جهرمی، مرضیه. (۱۴۰۴). کاربرد و پذیرش واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نشریات حوزه زبان‌شناسی. *زبان پژوهی*، ۱۷(۵۵)، ۲۷۹-۳۰۶.
doi: 10.22051/jlr.2025.48446.2498
- محمدی، عادل. (۱۴۰۴). برساخت تاریخی اصطلاح زبان مادری و تقابل آن با زبان ملی در سیاست زبانی. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۱۰(۱۹)، ۸۱-۱۰۴.
doi: 10.22124/plid.2025.30852.1718
- مولایی‌کوهبنانی، حامد و رئیس‌زاده، امیرحسین. (۱۴۰۴). ارزیابی میزان پذیرش و کاربرد واژگان مصوب فرهنگستان در حوزه مهندسی عمران. *زبان پژوهی*، ۱۷(۵۶)، ۷۱-۹۸.
doi: 10.22051/jlr.2024.45567.2375

Bail, C. A., Argyle, L. P., Brown, T. W., Bumpus, J. P., Chen, H., Hunzaker, M. F., & Volfovsky, A. (2018). Exposure to opposing views on social media can increase political polarization. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 115 (37), 9216-9221.

Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2013). *The Logic of Connective Action: Digital Media and the Personalization of Contentious Politics*. Cambridge University Press.

Borgatti, S. P., & Halgin, D. S. (2011). On network theory. *Organization Science*, 22(5), 1168-1181.

Borgatti, S. P., Everett, M. G., & Johnson, J. C. (2018). *Analyzing Social Networks* (2nd ed.). SAGE Publications.

Borgatti, S. P., Everett, M. G., Johnson, J. C., & Agneessens, F. (2022). *Analyzing Social Networks Using R*. SAGE Publications.

Callon, M. (1986). Some elements of a sociology of translation: Domestication of the scallops and the fishermen of St Brieuc Bay. In J. Law (Ed.), *Power, Action and Belief: A New Sociology of Knowledge?* (pp. 196-223). Routledge.

Crossley, N. (2010). The social world of the network: Combining qualitative and quantitative elements in social network analysis. *Sociologica*, 4(1), 1-34.

Crossley, N., Bellotti, E., Edwards, G., Everett, M. G., Koskinen, J., & Tranmer, M. (2015). *Social Network Analysis for Ego-Nets*. SAGE Publications.

Diani, M. (2015). Revisiting the concept of social movement. In D. della Porta & M. Diani (Eds.), *The Oxford Handbook of Social Movements* (pp. 155-176). Oxford University Press.

Diani, M., & Mische, A. (2015). Network approaches and social movements. In D. della Porta & M. Diani (Eds.), *The Oxford Handbook of Social Movements* (pp. 306-325). Oxford University Press.

Elder-Vass, D. (2015). Disassembling actor-network theory. *Philosophy of the Social Sciences*, 45(1), 100-121.

Estalella, A., & Sánchez Criado, T. (Eds.). (2018). *Experimental Collaborations: Ethnography Through Fieldwork Devices*. Berghahn Books.

Farias, I. (2022). An invitation to urban ANTs: A commentary for students of urbanism. *City*, 26(1), 84-103.

Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the Streets: Social Media and Contemporary Activism*. Pluto Press.

González-Bailón, S., & Wang, N. (2016). Networked discontent: The anatomy of protest campaigns in social media. *Social Networks*, 44, 95-104.

Jasny, L., & Lubell, M. (2022). Two-mode brokerage in policy networks. *Social Networks*, 41, 36-47.

Latour, B. (1987). *Science in Action: How to Follow Scientists and Engineers Through Society*. Harvard University Press.

Latour, B. (2005). *Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network-Theory*. Oxford University Press.

Laumann, E. O., Marsden, P. V., & Prensky, D. (1989). The boundary specification problem in network analysis. In L. C. Freeman, D. R. White, & A. K. Romney (Eds.), *Research Methods in Social Network Analysis* (pp. 61-87). Transaction Publishers.

Law, J. (1992). Notes on the theory of the actor-network: Ordering, strategy, and heterogeneity. *Systems Practice*, 5(4), 379-393.

Lusher, D., Koskinen, J., & Robins, G. (2013). *Exponential Random Graph Models for Social Networks: Theory, Methods, and Applications*. Cambridge University Press.

Marres, N. (2015). Why map issues? On controversy analysis as a digital method. *Science, Technology, & Human Values*, 40 (5), 655-686.

Mische, A. (2011). Relational sociology, culture, and agency. In J. Scott & P. J. Carrington (Eds.), *The SAGE Handbook of Social Network Analysis* (pp. 80-97). SAGE Publications.

Newman, M. (2018). *Networks* (2nd ed.). Oxford University Press.

Poell, T., Nieborg, D. B., & Duffy, B. E. (2022). *Platforms and Cultural Production*. Polity Press.

Steinert-Threlkeld, Z. C. (2017). Spontaneous collective action: Peripheral mobilization during the Arab Spring. *American Political Science Review*, 111(2), 379-403.

Treré, E. (2019). *Hybrid Media Activism: Ecologies, Imaginaries, Algorithms*. Routledge.

Venturini, T. (2010). Diving in magma: How to explore controversies with actor-network theory. *Public Understanding of Science*, 19 (3), 258-273.

Venturini, T., Munk, A. K., & Jacomy, M. (2021). Actor-network VS network analysis VS digital networks: Are we talking about the same networks? In *Digital STS: A Field Guide for Science & Technology Studies* (pp. 510-523). Princeton University Press.

Wasserman, S., & Faust, K. (1994). *Social Network Analysis: Methods and Applications*. Cambridge University Press.